



نگارش

تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود

دکتر سید حسین سجادی

دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز و حسابدار رسمی

مهدی عربی

کارشناس ارشد حسابداری

کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای جاری و گذشته‌ی شرکت است.

سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن

نمی‌توانند به طور مستقیم این رفتار فرصت‌طلبانه‌ی مدیران را کنترل کنند. بنابراین، حساب‌رسان با رسیدگی‌های دقیق و با کیفیت خود می‌توانند اقلام تعهدی مورد استفاده‌ی مدیران را کاهش و مدیریت سود را محدود کنند. نتایج تحقیق‌های انجام شده نیز، نشان‌دهنده‌ی همین موضوع است.

مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه‌ی اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر

هدف این مقاله بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود و معرفی تحقیق‌های مختلف انجام شده در این زمینه است. اقلام تعهدی سود از یک سو به مدیران اجازه می‌دهد تا سود را طوری محاسبه کنند که گویای ارزش واقعی بنگاه اقتصادی باشد و از سوی دیگر این اقلام به مدیران اختیار می‌دهد تا از انعطاف‌پذیری روش‌ها و اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری سوءاستفاده کرده، محتوای اطلاعاتی سود را مخدوش کنند. ذی‌نفعان خارج از شرکت مانند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان،

عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده در ارقام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایجی قابل پیش‌بینی و ثابت خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیش‌تر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیش‌تری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی^۲ مدیران می‌توانند از انگیزه‌ی لازم برای دست‌کاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند.

جنین و پیوت^۳ (۲۰۰۵) معتقدند حسابداری می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابداری شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیش‌تری هستند. ارقام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابداری شرکت‌هایی که ارقام تعهدی بیش‌تری دارند، نیز دشوارتر است. حسابداری با کیفیت بالاتر، با احتمال بیش‌تری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابداری با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیش‌تری برای کشف اشتباه و تقلب هستند.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیق‌های زیادی ارتباط بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود را بررسی کردند. بیکر (۱۹۹۸)، فرانسیس (۱۹۹۹)، دیفاند و جیانالوو^۴ (۱۹۹۳ و ۱۹۹۱) و گور^۵ (۲۰۰۱) در تحقیق‌های خود در شرکت‌های دولتی به این نتیجه رسیدند

که کیفیت حسابداری احتمال وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد. بیکر، دیفاند و جیانالوو (۱۹۹۸)، بتی و هاریس^۶ (۱۹۹۸)، بتی و پترونی^۷ (۲۰۰۲)، کاپنز و پیک^۸ (۲۰۰۵) و بورستالر و دیگران^۹ (۲۰۰۴) نیز تاثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که کیفیت حسابداری با مدیریت سود در شرکت‌های خصوصی رابطه‌ی معکوس دارد. دیویس، سو و ترامپتر^{۱۰} (۲۰۰۲) در تحقیق خود نتیجه گرفتند بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود رابطه‌ی منفی با اهمیتی وجود دارد. تندلو و وانستریلن^{۱۱} (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابداری با میزان ارقام تعهدی غیرعادی رابطه‌ی منفی دارد. یافته‌های تحقیق هوگن و جیتتر^{۱۲} (۱۹۹۹) نشان داد، کیفیت حسابداری هموارسازی سود را کاهش می‌دهد. نتایج تحقیق ژائو و ایلدر^{۱۳} (۲۰۰۲) نیز نشان داد شرکت‌هایی که پنج موسسه‌ی بزرگ حسابداری رسیدگی

کردند دارای مدیریت سود کمتری هستند. بانستر و ویست^{۱۴} (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند کیفیت حسابداری هموارسازی سود را محدود می‌کند. کمرن، پرینسیپ و ترامبتا^{۱۵} (۲۰۰۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند

که ساعات صرف شده برای حسابداری صاحب‌کار با ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت سود رابطه‌ی منفی دارد. نتایج تحقیق گور، پاپ و ساین^{۱۶} (۲۰۰۱) رابطه‌ی منفی بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود در فرایند عرضه‌ی اولیه‌ی سهام را تایید می‌کند.

ایلدر و ژائو (۲۰۰۱) در تحقیق خود نتیجه گرفتند وجود کمیته‌ی حسابداری و اندازه‌ی آن، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. فاروزانا و راشیده^{۱۷} (۲۰۰۶) در تحقیق خود تاثیر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری (۵ موسسه‌ی بزرگ) و وجود



کمیته‌ی حسابرسی بر ارقام تعهدی را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، میزان ارقام تعهدی اختیاری را کاهش نمی‌دهد. اما، وجود یک کمیته‌ی حسابرسی فعال در شرکت میزان آن‌ها را کاهش می‌دهد. مینگ (۲۰۰۷) نیز در تحقیق در شرکت‌های چینی نتیجه گرفت ده موسسه‌ی بزرگ حسابرسی در چین بیش‌تر از موسسه‌های دیگر موجب کاهش مدیریت سود می‌شوند. فرانسس (۱۹۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسید، شرکت‌هایی که تمایل بیش‌تری به ایجاد ارقام تعهدی دارند، با احتمال بیش‌تری از خدمات شش

موسسه‌ی بزرگ حسابرسی برای اعتبار بخشیدن به سود خود استفاده می‌کنند. ازیبی و راجی^{۱۸} (۲۰۰۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسی پنج موسسه‌ی بزرگ تأثیری بر کاهش ارقام تعهدی ندارد. نتایج تحقیق توپساموت و جیکنکیت^{۱۹} (۲۰۰۸) نیز حاکی از این است که وجود کمیته‌ی حسابرسی، تعداد جلسات آن و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی بر مدیریت سود موثر نیست. چن^{۲۰} (۲۰۰۵) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تداوم حسابرسی یک موسسه‌ی حسابرسی، استفاده از ارقام تعهدی و مدیریت سود را افزایش می‌دهد.

ابراهیمی و سیدی (۱۳۸۷) در تحقیق خود در ۷۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی تأثیر نوع موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و سایر موسسه‌ها) و نوع اظهارنظر حسابرسی در گزارش حسابرسی بر روی ارقام تعهدی اختیاری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تنها نوع موسسه‌ی حسابرسی با ارقام

تعهدی اختیاری ارتباط دارد.

عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی

آقایی و کوچکی (۱۳۷۴) معتقدند، کیفیت کار موسسه‌های حسابرسی متفاوت است و به‌طور مستقیم نمی‌توان با مشاهده‌ی موسسه‌ها تشخیص داد که کدام موسسه از کیفیت کاری بالاتری برخوردار است. تحقیق‌ها نشان می‌دهند اندازه، قدمت، شهرت و نام تجاری موسسه‌های حسابرسی می‌توانند معیارهای متمایز کننده‌ی کیفیت حسابرسی باشند.

جول، جاب و هاگتون^{۲۱} (۲۰۰۵) در تحقیق خود برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی علاوه‌بر اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی از تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت صاحب‌کار نیز استفاده کردند. آنان معتقد بودند موسسه‌های حسابرسی که در صنعت صاحب‌کار تخصص داشته باشند، با کیفیت بیش‌تری به حسابرسی آن می‌پردازند. فرگوسن و استاکس^{۲۲} (۲۰۰۲)، ژائو و ایلدر^{۲۳} (۲۰۰۲) و بالسم^{۲۴} (۲۰۰۳) نیز در تحقیق‌های خود از تخصص حسابرس در صنعت صاحب‌کار برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده کردند.

دی‌آنجلو^{۲۵} (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را به صورت احتمال کشف و گزارش اشتباه‌های با اهمیت در صورت‌های مالی تعریف می‌کند. او به لحاظ نظری ارتباط بین کیفیت حسابرسی و اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی را مطرح کرد و معتقد بود موسسه‌های بزرگ

شرکت‌های بیش‌تری را حسابرسی می‌کنند و کل حق‌الزحمه‌ی آن‌ها بین شرکت‌های صاحب‌کار تفکیک می‌شود و به صاحب‌کاران وابستگی ندارند. موسسه‌های حسابرسی بزرگ استقلال بیش‌تری دارند، بنابراین با کیفیت بیش‌تری به حسابرسی می‌پردازند. دیویدسون^{۲۴} (۱۹۹۳) نیز معتقد است مدیران انگیزه‌های زیادی برای دست‌کاری سود دارند تا بتوانند به پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی تحقق بخشند. بنابراین، اگر حسابرسی موسسه‌های بزرگ کیفیت بیش‌تری داشته باشند، باید انتظار داشت خطاهای پیش‌بینی تحلیل‌گران در شرکت‌هایی که توسط موسسه‌های کوچک‌تر رسیدگی شدند، بیش‌تر باشد. دیویدسون در تحقیق خود این موضوع را تایید می‌کند. دای^{۲۵} (۱۹۹۳) و لینوکس^{۲۶} (۱۹۹۹) نیز در تحقیق‌های خود به همین نتیجه رسیدند.

بارتو، فردیناند و جودی^{۲۷} (۲۰۰۰) در تحقیق خود برای ارزیابی کیفیت حسابرسی از شش موسسه‌ی بزرگ حسابرسی استفاده کردند، آنان فرض کردند حسابرسی توسط این شش موسسه‌ی بزرگ، دارای حداکثر کیفیت است و شرکت‌های صاحب‌کاری که موسسه‌هایی غیر از شش موسسه‌ی بزرگ آن‌ها را حسابرسی می‌کنند، سعی در ارائه‌ی ارقام تعهدی اختیاری بیش‌تری برای ایجاد تغییر در سود دارند. نتایج تحقیق آنان نشان داد، شرکت‌های صاحب‌کار موسسه‌های غیر از شش موسسه‌ی بزرگ، ارقام تعهدی اختیاری را به طور متوسط معادل ۱,۵ تا ۲,۱ درصد از کل دارایی‌ها، بیش از شرکت‌های صاحب‌کار شش موسسه‌ی بزرگ گزارش می‌کنند. کارامانیس و لینوکس^{۲۸} (۲۰۰۶) نیز نتیجه گرفتند بین حسابرسی موسسه‌های بزرگ و

کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت وجود دارد. برخی معتقدند چرخش اجباری حسابرس کیفیت حسابرسی را افزایش می‌دهد. نتیجه‌ی تحقیق ابراهیم^{۲۹} (۲۰۰۱) رابطه‌ی بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی را تایید نمی‌کند.

مدیریت سود

تحقیق‌های زیادی وجود مدیریت سود در شرکت‌ها را تایید کرده‌اند. آرچی بلد^{۳۰} (۱۹۶۷)، کاشینگ^{۳۱} (۱۹۶۹)، داشر و مالکوم^{۳۲} (۱۹۷۰)، رانن و سادن^{۳۳} (۱۹۷۵)، کاپلند^{۳۴} (۱۹۶۸)، اکسی^{۳۵} (۲۰۰۱) و هلی و والن^{۳۶} (۱۹۹۹) در تحقیق‌های خود نشان دادند مدیریت سود در بین شرکت‌های مورد مطالعه به روش‌های مختلف انجام می‌شود. مرتون^{۳۷} (۱۹۸۷)، لوبو و ژائو^{۳۸} (۲۰۰۱) و جو و کیم^{۳۹} (۲۰۰۳) در تحقیق‌های خود نتیجه گرفتند در شرکت‌هایی که کیفیت افشای بیش‌تری دارند، مدیریت سود کمتری وجود دارد. ابراهیمی و دیگران^{۴۰} (۱۳۸۷) بیان می‌کنند که سود از دو بخش تعهدی و نقدی تشکیل شده است و ارقام تعهدی سود نیز به دو بخش ارقام تعهدی اختیاری^{۴۱} و غیراختیاری تقسیم می‌شود که ارقام تعهدی اختیاری بیش‌تر می‌تواند در معرض مدیریت و دست‌کاری قرار گیرد. تاکنون شش مدل کشف ارقام تعهدی اختیاری توسط محققان معرفی شده است که از بین آن‌ها، مدل تعدیل شده‌ی جونز مقبول‌تر است.

مدیریت سود به عنوان اقدام‌های آگاهانه‌ی مدیریت برای از بین بردن نوسان‌های سود، در تحقیق‌های مختلف به روش‌های متفاوت اندازه‌گیری می‌شود. دی‌فاند و جیمبالوو^{۴۱} (۱۹۹۴)، سابرامانیا^{۴۲} (۱۹۹۶)، بارتو^{۴۳} (۲۰۰۰)، لوبو و ژائو^{۴۴} (۲۰۰۱) و دیچاو، اسلون و

اسوینی^{۴۵} (۱۹۹۵) در تحقیق‌های خود برای اندازه‌گیری مدیریت سود از بخش اختیاری^{۴۶} ارقام تعهدی استفاده کرده‌اند. زیرا، این دسته از محققان اعتقاد داشتند این ارقام با احتمال بیش‌تری در معرض دست‌کاری مدیران قرار می‌گیرد و اندازه‌های قابل اطمینانی از مدیریت سود هستند.

لیوز^{۴۷} (۲۰۰۱) و باتاچاریا^{۴۸} (۲۰۰۱) برای محاسبه‌ی میزان مدیریت سود از چهار اندازه‌ی مختلف از مدیریت سود، بدون اتکا به برآورد ارقام اختیاری، استفاده کردند، زیرا عقیده داشتند که مدل‌های پیشین قادر به برآورد صحیح بخش اختیاری ارقام تعهدی نیستند و ممکن است مشکلاتی در نتایج به‌وجود آورند.

نتیجه‌گیری

مدیریت سود یکی از موضوع‌های پرطرفدار بین سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران و عموم کاربران صورت‌های مالی است. به گفته‌ی فیشر مدیریت سود دخالت هدفمند مدیران در فرایند گزارشگری مالی برون‌سازمانی است. یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابرسی است. زیرا، شرکت‌هایی که سود را دست‌کاری و مدیریت می‌کنند، بیش‌تر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل‌شده (غیرمقبول) داشته باشند.

با توجه به تحقیق‌ها و مباحث پیش‌گفته، می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت حسابرسی میزان ارقام تعهدی اختیاری و مدیریت سود را کاهش می‌دهد. محققان برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی معمولاً از متغیرهای هشت، شش، پنج یا چهار موسسه‌ی بزرگ حسابرسی (اندازه‌ی موسسه) و تخصص موسسه‌ی حسابرسی از صنعت واحد مورد رسیدگی استفاده کردند.

tions», Journal of Accounting and Economic, Vol 30, No 3, pp: 421-452.

3- Cameran, Prencipe and Trombetta. (2008) «Earnings management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?»

4- Ebrahim. (2001). «Auditing Quality, Auditor Tenure, Client Importance, and ,Earnings Management: An Additional Evidence»,

5- Gore, Pope and Singh. (2001). «Non-Audit Services, Auditor Independence and Earnings Management», Working Paper.

6- Ming, L.2007.”Corporate Governance, Auditor Choice and Auditor Switch Evidence from China” A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy, Hong Kong Baptist University.

7- Zhou, J. and R. Elder. 2002. «Audit firm size, industry specialization, and earnings management by initial public offering firms». working paper, 91-102.

منابع

فارسی

۱- آقائی، محمدعلی و کوچکی، حسن. (۱۳۷۴). «گمان‌هایی پیرامون نمایش سود»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۶۴-۵۶.

۲- ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سیدعزیز (۱۳۸۷). «نقش حساب‌رسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۶-۳.

۳- دستگیر و ناظمی. (۱۳۸۵). «بررسی نظرات استادان دانشگاه‌ها، حسابداران حرفه ای و قانون‌گذاران در رابطه با مدیریت سود». دانش و پژوهش حسابداری: شماره‌ی ۱۱، صص ۱۸-۱۲.

انگلیسی

1- Amat, Elvira and Platikanova. (2002). Earnings management and audit Adjustments. Available online in www.ssrn.com

Managerial Finance Vol 27, No 12: pp 57 – 71

2- Bartov, Ferdinand and Judy. (2000). «Discretionary-Accruals Models and Audit Qualifica-

پی‌نویش‌ها

1- SFAC No 1: Objectives of Financial Reporting
2- Agency Theory
3- Janin and Piot
4- Defond and Jiambalvo
5- Gore
6- Beatty and Harris
7- Beatty and Petroni
8- Coppers and Peek
9- Burgstahler and Others
10- Davis, Soo and Trompeter
11- Tendeloo and Vanstraelen
12- Hogan and Jeter
13- Zhou and Elder
14- Bannister and Wiest
15-Cameran, Prencipe and Trombetta

16- Gore, Pope and Singh
17- Fairuzana and Rashidah
18- Azibi and Rajhi
19- Thoopsamut and Jaikengkit
20- Chen
21- Johl, Jubb and Houghton
22- Ferguson and Stokes
23- De Angelo
24- Davidson
25- Dye
26- Lennox
27- Bartov, Ferdinand and Judy
28- Caramanis and Lennox
29- Ebrahim
30- Archibald
31- Cushing
32- Dasher and Malcom

33- Ronen and Sadan
34- Copeland
35- Xie
36- Healy and Wahlen
37- Merton
38- Lobo and Zhou
39- Juo and Kim
40- Discretionary Accruals
41- Defond and Jiambalvo
42- Subramanyam
43- Bartov
44- Lobo and Zhou
45- Dechow, Sloan and Sweeny
46- Discretionary Accruals
47- Leuz
48- Bhattacharya

